

برای #171؛ بی بدن #187؛ و مفهومی به نام تعارضات اجتماعی



شناسه خبر : ۱۴۰۸۹۵ یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۳ - ۱۴:۲۵

قصاص نفس و ماجرای بخشش، سالهاست دستمایه تولیدات سینمایی بسیاری شده‌است اما در کنار به تصویر کشیدن این مفهوم گاهی گریزی به مسائل اجتماعی دیگری هم زده می‌شد.

موج خبر-امیرحسین مکاریانی

قصاص نفس و ماجرای بخشش، سالهاست دستمایه تولیدات سینمایی بسیاری شده‌است اما در کنار به تصویر کشیدن این مفهوم گاهی گریزی به مسائل اجتماعی دیگری هم زده می‌شد. هیچگاه پرداخت یک‌جانبه به قصاص نفس و ماجرا جلب رضایت اولیای دم به تنهایی برای پرداخت و روایتگری در ظرف یک محتوای سینمایی کافی نبوده‌است. اما «بی بدن» با کارگردانی مرتضی علیزاده و تهیه‌کنندگی سید مصطفی احمدی برای اولین بار به سراغ تعارضات اجتماعی و

جریان سازی های رسانه ای و فضای مجازی در کنار رسیدگی به پرونده یک قتل می رود.

نهادهای قضائی کشور سالها از ورود جریان های رسانه ای و جنجال سازی های مجازی در رسیدگی به پرونده های قتل که منجر به قصاص نفس می شد گلایه داشتند و بارها اعلام کرده بودند اگر در جریان رسیدگی به فلان پرونده و طی کردن فرآیند جلب رضایت اولیای دم مداخلات رسانه ای صورت نمی گرفت قصاص نفس هم اتفاق نیفتاده و اولیای دم رضایت به بخشش قاتل می دادند.

برای نمایش این معضل اجتماعی و نتیجه معکوس اینگونه تداخلات «بی بدن» به بهترین شکل ممکن عمل کرد و توانست نحوه تاثیر گذاری تعارضات اجتماعی در نتیجه یک پرونده مهم قتل را به نمایش بگذارد.

فیلم بی بدن اولین ساخته سینمایی مرتضی علیزاده یکی از فیلم های مهم و جنجالی جشنواره چهل و دوم فیلم فجر بود که به طرز عجیبی در بخش اصلی شرکت داده نشد ولی بلافاصله در فهرست فیلم های اکران نوروزی 1403 قرار گرفت.

قتل غزاله شکور به دست آرمان عبدالعالی که چندین بار تا مرحله اجرای حکم رفت و برگشت و یکی از پیچیده ترین پرونده های چند سال اخیر ایران بود و بیشترین تاثیر را از تعارضات اجتماعی ناشی از فضای مجازی گرفت. زمان مطرح شدن این پرونده حاشیه های زیادی در فضای مجازی به وجود آمد و کار تا جایی پیش رفت که جایگاه ظالم و مظلوم تغییر کرد، این فیلم شاید به نوعی ادای دین به خانواده مقتول هم تلقی شود که در زمان رسیدگی به پرونده مجبور به تحمل فشارهای روانی متعددی از جانب اجتماع شدند.

در روایت فیلم نشان داده شد که چگونه پول پاشی در فضای مجازی و رسانه ها می تواند دیدگاه عمومی را به یک پرونده تغییر دهد و رسیدگی کنندگان و عناصر دخیل در یک پرونده قضایی را تحت تاثیر قرار دهد. سرعت روایت در شخصیت پردازی و معرفی کاراکترها به مخاطب بالاست چرا که گمان بر این است اندک آشنایی پیشینی نسبت به آنها وجود دارد و تلاش چندانی برای این بازتعریف نمی کند. با وجود اینکه ممکن است تماشاگر از فرجام پرونده مطلع باشد، باز هم به دنبال انکشاف نکات تازه در این پرونده بوده و داستان را دنبال می کند.

کاظم دانشی در علفزار اثبات کرد برای نگارش فیلم نامه های حقوقی و قضائی گزینه مناسبی است و تجربه علفزار به کم او برای «بی بدن» آمد. در واقع آنچه بی بدن را برای مخاطب جذاب می کند تا برای دیدنش به سینما برود پیگیری نتیجه

پرونده نیست بلکه چند و چون رسیدگی به آن و دریافت پیچیدگی‌های رسیدگی تا اعلام حکم قصاص تلقی می‌شود.

بی‌بدن در جشنواره فجر قدر ندید و حاشیه‌های زیادی به همراه داشت اما توانست به اکران نوروزی راه پیدا کند و در کنار آثار کمدی پر فروش جایگاه نسبتاً خوبی کسب کند. هرچند که چینش فیلم‌های اکران نوروز به گونه‌ای رقم خورد که همه چیز برای فروش فیلم «تمساح خونی» فراهم شود و آثار دیگر در کنار آن خوب دیده نشوند.

انتهای پیام/

انتهای پیام/